

قواعد حقوق رقابت در ایران و تحولات آن در پرتو سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

امیرعباس علاءالدینی*

مهرداد شیری**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۲

چکیده

هنگامی که اقتصاد، از تصدّی‌گری دولت‌ها رها گردد، نقش دولت‌ها به عنوان ناظر بر رقابت صحیح در بازار و تنظیم‌کننده رفتار بنگاه‌ها متجلی خواهد شد تا از رفتارهای ضد رقابتی برخی کنشگران بازار جلوگیری نماید و در این راستا مقررات حقوق رقابت به عنوان ابزار اصلی برای پیش بردن سیاست رقابتی دولت‌ها در کنار ابزارهای دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در ایران نیز سرانجام با تأکید کارشناسان مبنی بر رقابتی کردن حوزه اقتصاد به عنوان اصلی‌ترین شرط برای کارایی اقتصادی، با تغییر نگرش نسبت به اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغ سیاست‌های کلی این اصل، در اجرای بند (ه) ماده ۴۱ قانون برنامه چهارم، قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی» تصویب گردید که فصل نهم آن به قواعد حقوق رقابت اختصاص دارد که علی‌رغم نقاط مثبت آن، دارای نواقصی نیز می‌باشد. این نوشتار بر آن است تا ضمن تبیین قواعد رقابت در ایران، چه قبل و چه بعد از تحولات ناشی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، با مطالعه تطبیقی این دسته از مقررات در برخی از کشورها، به بیان اجمالی خالدها و نقاط ضعف قواعد رقابت در فصل نهم قانون بپردازد.

واژگان کلیدی: سیاست رقابتی، حقوق رقابت، قانون اصلاح، رویه‌های ضد رقابتی، رویه‌های محدودکننده رقابت.

*دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسؤول).

amirabbas_alaedini@yahoo.com

**استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

shiri.mehrzad@gmail.com

مقدمه

حقوق رقابت به عنوان مجموعه قواعد حاکم بر مسابقه عوامل اقتصادی برای به دست گرفتن یا حفظ قسمتی از یک بازار، بخش مهمی از حقوق اقتصادی است. ابزار حقوق رقابت، به قوای عمومی امکان می‌دهد تا به نحو کارآمدی بر محیط اقتصادی تأثیرگذار باشند و سیاست‌های اقتصادی را تحقق بخشند.

در کشور ما پس از خاتمه جنگ تحمیلی، موضوع رقابت‌پذیر کردن اقتصاد ملی به عنوان یکی از سیاست‌های محوری نظام جمهوری اسلامی، در قوانین برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است و با توجه به این که اصل ۴۴ قانون اساسی، عملاً به سبب تجویز انحصارات و ممنوعیت ورود بخش خصوصی در برخی از بازارها، مانع رقابتی شدن اقتصاد و در نتیجه کاهش بهره‌وری و رفاه مصرف‌کننده شده بود، به جهت گسترش حیطة خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری‌های دولت و واگذاری مدیریت واحدهای اقتصادی به بازار، تفسیر جدیدی از این اصل - با توجه به ذیل آن - مطرح شد که بر طبق آن، بیشتر شرکت‌های بزرگ دولتی، حتی در زمینه‌هایی مثل برق، مخابرات، بیمه و نیز بانک‌ها، که تا آن زمان در انحصار دولت بود مشمول خصوصی‌سازی گردند و در همین راستا بود که در خرداد ۱۳۸۴، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ گردید. با این توضیح که با توجه به ذیل و مفاد این اصل و به منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها، این تفسیر ارائه گردید. در واقع، تفسیر جدیدی از این طریق از اصل ۴۴ ق.ا. حاصل شد تا موانع موجود در این اصل در باب نقش بخش خصوصی در اقتصاد به لحاظ قانونی مرتفع گردد.

در این رابطه، با وجود خصوصی‌سازی و سپرن بازار به دست بخش خصوصی و ایجاد فضای قانونی رقابت آزاد در کشور (علی‌رغم تمام کاستی‌های موجود)، جایگاه نظارت دولت بر بازار از طریق قواعد حقوق رقابت متجلی می‌گردد؛ چراکه قواعد مربوط به رقابت،

در کنار اصل آزادی اشتغال به تجارت یا اصل آزادی رقابت معنا پیدا می‌کند؛ زیرا در فرض آزادی رقابت و تلاش هر بنگاهی برای جذب بهتر مشتری امکان دارد که این عملکردها سبب اختلال در رقابت آزاد شده و پیامدهای زیانباری را برای سایر رقبا و بازار به همراه داشته باشد.

بدین منظور و پس از گذشت سال‌ها فقدان قواعد نظام‌مند در زمینه رقابت، سرانجام در اجرای بند (ه) ماده ۴۱ قانون برنامه چهارم توسعه، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۶/۷/۲۲ لایحه ارسالی دولت تحت عنوان «لایحه یک فوریتی اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی» را تصویب نمود؛ لکن به علت حدوث اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید و نهایتاً در تاریخ ۸۷/۳/۲۵ به تأیید آن مجمع رسید و پس از طی مراحل قانونی لازم‌الاجرا گردید و فصل نهم آن اختصاص به بحث حقوق رقابت دارد.

به موجب این قانون، دولت موظف شد تا ۸۰ درصد از سهام بخش‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. هرچند تصویب قانون رقابت، با تأخیر زیادی حاصل گردید و از حاصل آن، نظام اقتصادی کشور دچار لطمات جبران‌ناپذیری شد که ترمیم آن نیاز به گذران زمان در راستای مدیریت قوی و پویا دارد، لکن تصویب آن، گام مهمی در فرآیند سالم‌سازی بازار و رقابتی کردن آن می‌باشد.

با توجه به موارد فوق، پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای درصدد آن است تا با بررسی رقابت سالم در بازار و مبانی و ضرورت حقوق رقابت تجاری، به تحلیل این فصل از قانون با بیان نواقص و کاستی‌های آن بپردازد و با بررسی قواعد موصوف در برخی کشورها همچون فرانسه، آمریکا، ژاپن، کانادا، هند، انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی (اتحادیه اروپا) که در این زمینه پیشرو بوده‌اند و به لحاظ ماهوی می‌توانند یاری‌رسان مقنن باشند، به مسؤولان ذی‌ربط در زمینه اصلاح قانون یاری رساند.

از این رو، این نوشتار در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، سیاست رقابتی و مفهوم، اهداف و قواعد حقوق رقابت تبیین شده است و در بخش دوم، ضمن تبیین قواعد رقابت در ایران، هم قبل و هم بعد از تحولات ناشی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴

ق.۱، با مطالعه تطبیقی این دسته از مقررات در برخی از کشورها، به بیان اجمالی خلاصه و نقاط ضعف قواعد رقابت در فصل نهم قانون پرداخته شده است.

۱. سیاست رقابتی و حقوق رقابت؛ مفهوم، اهداف و قواعد

۱-۱. مفهوم سیاست رقابتی

رقابت را می‌توان یک فرآیند پویا در همگرایی میان بنگاه‌ها دانست که در این فرآیند، شایسته‌ترین آنها کامیاب می‌شود (park, 1998, p.34) و اصولاً با کنار هم قرار دادن الگوهای متعدد اقتصادی، در خصوص رقابت غیر کامل می‌توان این نتیجه را بیان کرد که هرچه بازار رقابتی‌تر باشد کارآمدتر است (Scherer & Ross, 1990, p.14).

اصطلاح «سیاست رقابتی»، مفهوم عام‌الشمولی دارد (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳، ص ۴۸) و در وسیع‌ترین تعریف شامل تمامی سیاست‌های مرتبط با رقابت در بازار از جمله سیاست تجاری، سیاست تنظیم‌کننده و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت برای اصلاح سیاست‌های ضد رقابتی شرکت‌های خصوصی یا عمومی می‌باشد (خداداد کاشی و شهیکی‌تاش، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳) و در تعریف محدود آن، این اصطلاح جهت پوشش دادن جنبه‌های مذکور یعنی سیاست‌ها و قوانین حاکم بر رفتار ضد رقابتی شرکت‌ها استفاده شده است (میرجلیلی، ۱۳۸۳، ص ۷).

سایر اجزای سیاست رقابتی شامل خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، مقررات‌زدایی، قطع اعطای یارانه خاص به شرکت‌ها و کاهش سیاست‌هایی است که علیه محصولات یا تولیدکنندگان خارجی تبعیض قایل می‌شود (میرجلیلی، ۱۳۸۳، ص ۷). در مقررات کشورهای توسعه یافته، به سیاست رقابتی در مفهوم اعم اهمیت زیادی داده می‌شود (F. Marcos, 2006, p.1).

با دقت به دایره شمول سیاست رقابتی و حقوق رقابت می‌توان گفت که تمایز کلیدی میان آن دو این است که سیاست رقابتی شامل هر دو بخش دولتی و خصوصی می‌باشد و این در حالی است که حقوق رقابت، تنها شامل بنگاه‌های خصوصی است (خداداد کاشی و شهیکی‌تاش، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).^۲

1. Competiton Policy.

۲. هرچند قانونگذاران عملاً در کشورهایی که دولت در اقتصاد فعالیت تصدی‌گرایانه دارد (همچون ایران) برای

۱-۲. مفهوم حقوق رقابت

حقوق رقابت، ابزار اصلی برای پیشبرد سیاست رقابتی است (حسینی و شفیی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶) و در کنار ابزار دیگر آن یعنی خصوصی سازی و مقررات زدایی به عنوان مکمل عمل می- نماید تا مانع از سوءاستفاده های ناشی از آنها گردد.

حقوق رقابت را می توان این گونه تعریف کرد: «مجموعه ای از اصول و قواعد که به سبب نارسایی های بازار در محورهای توزیع، تخصیص، تثبیت و تقنین، ناظر بر رفتار و ارتباط و توافق های میان بنگاه ها است تا مانع انحراف ساختار بازار به سمت انحصار شده و سبب بهبود عملکرد آن می شود»؛ به عبارت دیگر، «مجموعه ای از قواعد و اصول ناظر بر بنگاه ها و بازار است تا رفتار هماهنگ بازیگران بازار در استفاده و تحصیل قدرت جمعی بازاری و استفاده از قدرت فردی بازاری (انحصار) و ادغام بازیگران بازار و توافقات از این نوع را تنظیم نماید تا منجر به تخصیص کارآیی منابع و در نتیجه، حداکثر نمودن رفاه اجتماعی شود و این قوانین توسط دولت ها حمایت می گردند» (Hoekman & Holmes, 1999, p.2). محققاً قواعد حقوقی حاکم بر نظام تنظیم گری باید تسهیل کننده سرمایه- گذاری و ایجادکننده زمینه برای کارآیی اقتصادی باشد (Taggart, 2004, p.261).

از سوی دیگر، حقوق رقابت به عنوان مهمترین ابزار سیاست رقابتی، به منظور جبران نقایص شکلی و ماهوی مقررات حقوق خصوصی به عنوان عمومی ترین و منصفانه ترین ابزارهای نظارت بر اقتصاد، پا به این عرصه گذاشته تا سبب افزایش رفاه مصرف کننده از طریق افزایش کارآیی تخصیص منابع گردد. نکته حایز اهمیت آن است که به دلیل این که اهداف سیاست های رقابتی، از نظامی به نظام دیگر متفاوت است، ابزارهای رسیدن به این اهداف نیز متفاوت خواهد بود.

تنظیم بازار ناگزیر از توسعه حقوق رقابت و تحت شمول قراردادن شرکت های دولتی - به عنوان یکی از بازیگران اصلی اقتصاد - در آن مقررات هستند (ر.ک: ماده ۴۳ قانون اصلاح برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی).

۱. همان گونه که می دانیم، قانون به عنوان یکی از مهمترین منابع حقوق محسوب می شود؛ لذا در این نوشتار، گاهی اوقات به مسامحه واژه قانون به جای واژه حقوق به کار رفته است.

۲. عبارات دیگری هم وجود دارد که دلایل نارسایی بازار را آثار خارجی، کالاهای عمومی، انحصار و انحصار چند جانبه و اطلاعات نامتقارن تبیین نموده اند.

جالب آن است که نه تنها نظام‌های گوناگون بلکه در یک نظام رقابتی نیز ممکن است روش‌های گوناگونی اعمال شود که این مسئله ناشی از تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی است (باقری و سیدی، ۱۳۸۷، ص ۶۹).

۱-۳. اهداف حقوق رقابت

مبحث اهداف در تمامی موضوعات از جمله در حقوق رقابت، همواره حایز اهمیت فراوان بوده است. اما همان‌طور که اشاره شد، به دلیل این که شرایط اجتماعی و اقتصادی نظام‌ها با یکدیگر متفاوت می‌باشد، ماهیت حقوق رقابت نیز سیال و پویا است و قابلیت تغییرپذیری در جهت پذیرش توسعه‌های اقتصادی و موقعیت‌های سیاسی و شرایط جدید اجتماعی را دارد (Doern & Wilks, 1996, pp. 14-16). لذا برشمردن مقاصد و اهداف حقوق رقابت، به‌ویژه به‌طور حصری، امری توجیه‌ناپذیر است؛ اما با این وجود، برخی از اهداف کلی حقوق رقابت که دارای اهمیت بیشتری می‌باشند عبارتند از: اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.^۱

جالب توجه آن است که با تمام این تفاسیر، عده‌ای هستند که به مخالفت با حقوق رقابت و وضع قانون رقابت می‌پردازند.

۱-۴. قواعد حقوق رقابت

قواعد مربوط به رقابت، در کنار اصل آزادی اشتغال به تجارت یا اصل آزادی رقابت معنا پیدا می‌کند. در تعریف اصل آزادی رقابت آمده است که هر بنگاهی می‌تواند تلاش نماید که بهترین ابزار را برای جذب مشتری به کار برد؛ مثلاً مبادرت به کاهش قیمت‌ها نموده یا از تکنولوژی‌های جدید جهت کاهش قیمت و یا از پرسنل خبره استفاده نماید. اما این عملکردها ممکن است سبب اختلال در رقابت آزاد شده و پیامدهای زیانباری را برای سایر رقبا و بازار به همراه داشته باشد. لذا قواعد حقوق رقابت، جهت حفاظت و صیانت از رقابت آزاد وارد عرصه می‌گردد و از آزادی اقتصادی کنشگران بازار حمایت می‌کند (Van Den Berg & Camesasca, 2006, p. 39). در نظام حقوقی ما نیز اصل آزادی رقابت با استناد به

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: میرجلیلی، ۱۳۸۳، صص ۲۳-۱۹؛ سماواتی، ۱۳۷۴، صص ۲۷-۲۴؛ غفاری، ۱۳۹۳، صص ۱۵۲-۱۲۸ و Dabbah, 2004, p. 53 & WTO, Annual Report, 1997, Vol. 1, p. 44.

اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی، مشروط بر آن که با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران مغایرت نداشته باشد، پذیرفته شده است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، قواعد حقوق رقابت با توجه به عملکردشان به دو دسته تفکیک می‌گردند:

۱) دسته نخست شامل آن بخش از قواعد رقابت می‌شود که هدفشان تضمین عملکرد بازارها در یک اقتصاد رقابتی است. این دسته از قواعد، متوجه مصرف‌کننده یا بنگاه خاصی نیستند، بلکه مربوط به مجموعه روابطی هستند که بازار را شکل می‌دهند و به عبارت دیگر، از قواعد رقابت جمعی سخن می‌گویند.

۲) دسته دوم شامل قواعدی است که هدف آنها استقرار رقابت در قالبی عادلانه و صریح در بازار می‌باشد؛ بدان معنا که رقابت صادقانه معقول در بازار اجرا گردد. هدف این دسته قواعد، جلوگیری از زیان‌های رویه‌های ضد رقابتی است. در این شاخه، یک بنگاه و قواعد رقابت آن با دیگر بنگاه‌ها بررسی می‌گردد.

از سویی، در یک تقسیم‌بندی نسبتاً جامع و با نگاهی دیگر می‌توان قواعد حقوق رقابت را این‌گونه بیان کرد:

۱) اعمال و رویه‌های ضد رقابتی: شامل تبانی، سوء استفاده از قدرت اقتصادی و ...
 ۲) اعمال و رویه‌های محدودکننده رقابت: شامل توافقاتی که مربوط به تثبیت قیمت‌ها، فروش کالا یا خدمت با جایزه، قطع سوء استفاده گرایانه روابط و رویه‌های تبعیض‌آمیز و ...

۳) اعمالی که ضد رقابتی و محدودکننده رقابت نیستند ولی می‌توانند به آن بیانجامند، که نام آن را وضعیت خطرناک نهادیم. مثل تمرکز اقتصادی بنگاه‌ها (ادغام) و انحصارگری. برخی نیز اعمال ضد رقابتی را به توافقات عمودی و افقی تقسیم می‌نمایند. توافقات افقی به رفتار هماهنگ بین دو بنگاه رقیب یا بیشتر در یک بازار اشاره دارد. توافقات افقی، موضوع قواعد رفتار هماهنگ شامل توافقات تثبیت قیمت، محدودیت‌های تولید، توافقات تخصیص مشتری و مناقصات دسیسه‌آمیز می‌باشند (Whish & Bailerly, 2015, p. 512) و توافقات یا قراردادهای عمودی فی‌مابین تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاها در سطوح متفاوت و در زنجیره تولید و پخش صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، این‌گونه قراردادها میان تولیدکننده و توزیع‌کننده کالا در بازار بسته می‌شود و بر رقابت موجود در بازار تأثیر

قابل توجهی می‌گذارد.

۲. جایگاه حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران

متأسفانه با وجود زمینه‌های بسیار مناسب و جالب توجه در فقه تا قبل از تصویب فصل ۹ قانون اصلاح برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ما قانونی تحت عنوان «قانون رقابت» نداشته‌ایم. اما برخی از قواعد و مقررات در نظام حقوقی ما مستقیم یا غیر مستقیم جزء حقوق رقابت محسوب می‌شدند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱. مقررات و قواعد رقابت پیش از انقلاب اسلامی

در نخستین قانون موضوعه‌ای که توسط *آنتوان کنت دومنت*، در زمان *ناصرالدین شاه قاجار* تهیه شد و در سال ۱۲۹۷ به تصویب رسید، برای کاسبانی که با فروش اجناس تقلبی به زیان مصرف‌کننده اقدام می‌کردند مجازات در نظر گرفته شده بود (اخوان، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

پس از تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، مواد ۲۴۲ الی ۲۴۹ آن قانون تحت عنوان «دسیسه و تقلب در کسب و تجارت»، موضوعاتی همچون موجب تنزل یا صعود قیمت اجناس به طور متقلبانه شدن (ماده ۲۴۲)، دایر کردن قمارخانه (ماده ۲۴۳)، فریب دادن مشتری در خصوص طلا و نقره (ماده ۲۴۴) و ... را در این ارتباط در خود جای داده بود. پس از آن در سال ۱۳۱۰، اصلاحاتی نسبت به این مواد صورت گرفت و در این راستا، موضوع ماده ۲۴۴ آن قانون، از «فریب دادن مشتری در خصوص طلا و نقره» به «رقابت مکارانه و تقلب در کیفیت و کمیت مبیع» تغییر یافت. از سوی دیگر، ماده ۲۴۹ که راجع به استعمال متقلبانه علائم صنعتی یا تجاری بود نسخ شد و ماده جدیدی که مفصلاً کلیه جرایم مربوط به علائم تجاری و حق اختراع را شامل می‌شد جایگزین آن گردید.

بعد از تصویب قانون مجازات عمومی تا انقلاب اسلامی نیز مقررات پراکنده‌ای در زمینه حمایت از مصرف‌کننده و رقابت تصویب شد که عبارتند از: قانون اوزان و مقیاس‌ها مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحیه ۱۳۱۱، قانون مواد خوراکی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۹، مقررات مربوط به احتکار مصوب سال‌های ۱۳۱۶، ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱، قانون

مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی و برخی قوانین دیگر (اخوان، ۱۳۸۸، ص ۳۲ و جوانمرد، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

۲-۲. قواعد و مقررات رقابت پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی یکی از اهداف نظام را ایجاد اقتصاد سالم و برقراری قسط و پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، ضمن احترام به مالکیت خصوصی افراد و جلوگیری از هرگونه خسارت به دیگران بیان نموده است.

۲-۲-۱. اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق رقابت

- ۱) بندهای ۶، ۹ و ۱۲ اصل سوّم قانون اساسی، در خصوص رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و پی‌ریزی صحیح اقتصاد در جهت عدالت.
- ۲) بند ۵ اصل چهل و سوّم قانون اساسی، در خصوص مبارزه با انواع فعالیت‌های غیرکارآمد و غیر مشروع اقتصادی مثل منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
- ۳) اصل چهل و هشتم قانون اساسی، در مورد توزیع عادلانه امکانات و فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها (اخوان، ۱۳۸۸، ص ۳۲ و دادگر، ۱۳۸۶، ص ۶۵).
- ۴) اصل بیست و هشتم قانون اساسی، در مورد آزادی انتخاب شغل.

۲-۲-۲. سایر مقررات مرتبط با حقوق رقابت

در راستای سیاست‌های اقتصادی نظام مبنی بر برقراری اقتصاد سالم و گسترش قسط و عدالت اقتصادی، قوانین موضوعه‌ای در طول این مدت تصویب شده است، اما متأسفانه به علت پراکندگی و وجود موانع بسیار در مرحله اجرا و به لحاظ عدم جامعیت، عملاً نتوانست درمانی بر دردهای اقتصادی کشور و موجب سالم‌سازی فضای اقتصاد باشد، هرچند که بی‌تأثیر نیز نبوده است و در ادامه به بیان برخی از مهمترین آنها خواهیم پرداخت:

- ۱) قانون تشدید مجازات محترکان مصوب ۱۳۶۷.
- ۲) قانون تعزیرات حکومتی، با وضع مقرراتی در زمینه احتکار و تقلب در مبیع، گران-فروشی، کم‌فروشی، عرضه خارج از شبکه، عدم درج قیمت، اخفا و امتناع از عرضه

- کالا، فروش اجباری، عدم صدور فاکتور، عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع و جرم‌انگاری آنها، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷.
- ۳) قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، با وضع قواعدی در خصوص اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور که با جرم‌انگاری آنها درصدد حمایت و سالم‌سازی برآمد.
- ۴) قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، با وضع قواعدی در حمایت از مصرف‌کنندگان، تشویق رقابت‌های مشروع و حمایت از اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی طی مواد ۶۴، ۶۶ و ۷۵.
- ۵) قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲، که در این قانون از آزادی ورود و خروج به بازار، ممنوعیت خودداری از ارائه کالا یا خدمت و ممنوعیت فروش اجباری کالا (موضوع بند ل ماده ۳۰، تبصره ۲ ماده ۴۹، بند ب ماده ۲۸ و ماده ۱۴) سخن به میان آمده است.
- ۶) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه مصوب ۱۳۷۳، که در آن دولت به عنوان یک خط مشی بایستی اقدامات لازمه را جهت تسهیل در شرایط ورود و خروج به حرفه تجارت برای افراد علاقه‌مند و جلوگیری از انحصار به عمل آورد. از سوی دیگر، در قسمت سیاست پولی و تنظیم بازار این قانون، دولت می‌بایستی تمرکز قدرت اقتصادی مؤسسات و دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا غیردولتی را کاهش دهد و با انحصار مقابله کند. این قانون می‌توانست زمینه و بستر مناسبی جهت تدوین مقررات مربوط به تسهیل شرایط ورود و خروج و نیز جلوگیری از انحصار و تمرکز اقتصادی دولتی باشد که متأسفانه با غفلت مسؤولان، این مهم میسر نگردید.
- ۷) قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹، که در فصل چهارم آن با عنوان «تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی»، تأکید ویژه بر خصوصی‌سازی بعضی از صنایع و خدمات و لغو انحصارات از جانب دولت شده است (ماده ۳۵).
- ۸) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۴، در این قانون تأکید بیشتری در مورد خصوصی‌سازی و لغو انحصارات و حمایت از رقابت سالم شده است تا جایی که عنوان فصل سوم آن را «رقابت‌پذیر اقتصادی» نهادند و بند ح ماده ۳۳ آن مقرر می‌دارد: «دولت موظف است تدابیر و اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در شرایطی که کالایی با شرایط غیر متعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد شود اتخاذ و اعمال

نماید». به علاوه، قانونگذار در ماده ۳۷ آن قانون مقرر داشته است: «دولت موظف است در جهت ایجاد بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار ... نظام‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید» و در نهایت، طی مواد ۳۸ و بند هـ ماده ۴۱، دولت را به تهیه لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات در سال نخست برنامه چهارم توسعه و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی موظف می‌نماید.^۱

۹) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۵، که در خصوص رویه‌های ضد رقابتی همچون تبانی و سازش، فروش اجباری کالا یا خدمت، ارائه کالای بدون استاندارد، عدم ارائه اطلاعات لازم و شفاف و تبلیغات خلاف واقع مطالب حایز اهمیتی را بیان نموده است.

۲-۳. حقوق رقابت در قوانین کشورهای منتخب و مقررات فعلی ایران (تحلیل و بررسی مواد ۴۳ الی ۵۲ قانون اصلاح)^۲

متأسفانه در ایران قانون رقابت مستقلی وجود ندارد و حقوق رقابت، جزئی از «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» قرار گرفته است. این قانون - که منحصر به قواعد رقابت در معنای اخص نمی‌باشد - از فعالیت‌های اقتصادی دولت و حدود آن، قلمرو فعالیت‌های بخش‌های تعاونی، عمومی غیر دولتی و خصوصی، نحوه واگذاری بخش دولتی و مواردی از این دست سخن به میان آورده است و فقط در فصل ۹ این قانون،^۳ به موضوعات قانون رقابت تحت عنوان «تسهیل رقابت و منع

۱. لازم به ذکر است که در برنامه‌های پنج ساله، در خصوص حقوق رقابت، قواعد و مقرراتی وضع نشده و اساساً نیز نمی‌بایست حاوی آن باشد؛ چراکه برنامه‌های مذکور، مسیر و زمینه و بستر آینده موضوعات را مشخص کرده است و برای اجرایی شدن آنها دولت را مکلف به تهیه قواعدی در آن زمینه‌ها می‌نمایند و ما به دلیل اهمیت این قوانین به عنوان قواعد زمینه‌ساز، در این قسمت از آنها صحبت به میان آوردیم.

۲. منظور از قانون اصلاح، همان قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد که به اختصار این‌گونه بیان می‌گردد.

۳. این قانون در ۱۰ فصل و ۹۲ ماده تنظیم و تصویب گردیده است.

انحصار» پرداخته شده است.

در این قسمت سعی شده است تا با بررسی قواعد مندرج در فصل نهم قانون اصلاح، به صورت ماده به ماده به تحلیل و بیان ایرادات قانون پرداخته شود تا قانونگذاران در صورت لزوم مبادرت به رفع آنها نمایند؛ لکن در ابتدا با ترسیم جدولی، مهمترین قواعد مطرح در قانون اصلاح و قوانین رقابت کشورهای منتخب را بیان می‌نماییم تا مقایسه‌ای عملی و آسان میان آنها صورت پذیرد.

۲-۳-۱. مهمترین قواعد رقابت در قوانین کشورهای منتخب و قانون اصلاح

با بررسی اجمالی قواعد رقابت در کشورهای منتخب، شباهت‌هایی میان قواعد مربوطه در حقوق ایران و برخی کشورها مشاهده می‌گردد که در قالب جدول زیر به مقایسه قواعد رقابت (ضد انحصار) در قوانین چند کشور می‌پردازیم.^۱

نام کشور	نام قانون (قوانین)	مهمترین قواعدی که در قانون رقابت کشورها به آن اشاره شده است:
کشورهای اروپایی (اتحادیه اروپا)	قانون رم	۱- تنظیم انحصارات دولتی و ممنوعیت انحصارات دولتی ۲- ممنوعیت سوء استفاده از موقعیت مسلط ۳- ممنوعیت سازش، تبانی و ائتلاف در زمینه قیمت‌ها، تولید، سرمایه‌گذاری و تقسیم بازار ۴- ممنوعیت تمرکز، ادغام، تحصیل و تملک سهام بیش از حد
آمریکا	قانون شرم قانون کلینتن قانون رایبسون پاتمن	۱- ممنوعیت تبانی، ائتلاف در مورد محدود کردن تولید و تثبیت قیمت ۲- ممنوعیت قیمت‌گذاری تهاجمی (دامپینگ) ۳- ممنوعیت اعمالی که منجر به افزایش درجه انحصار (درجه تمرکز) بازار می‌شود.

۱. برگرفته از: میرجلیلی، ۱۳۸۳، صص ۳۴-۳۳؛ خداداد کاشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۶، صص ۱۵۶-۱۵۵؛ غمامی و اسماعیلی، ۱۳۸۹، صص ۱۷۲-۱۶۱؛ دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴، صص ۱۷۳-۱۵۲، گروه مطالعاتی بررسی قوانین و مقررات مانع توسعه (وابسته به سازمان برنامه و بودجه)، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰ و UNCTAD, 2002.

نام کشور	نام قانون (قوانین)	مهمترین قواعدی که در قانون رقابت کشورها به آن اشاره شده است:
ترکیه	آیین نامه جلوگیری از رقابت ناعادلانه در واردات	دامپینگ و نحوه رسیدگی و پیگیری در مورد آن
ایتالیا	مقررات حمایت از رقابت در بازار	۱- ممنوعیت سوءاستفاده از موقعیت مسلط بنگاهها ۲- ممنوعیت تمرکز (قدرت انحصاری) و کارتلها ۳- ممنوعیت تمرکز، تقسیم بازار ۴- ممنوعیت مشروط کردن انعقاد قرارداد به صورت غیر منصفانه
ژاپن	قانون قواعد انحصار و تجارت منصفانه	۱- منع انحصارگری خصوصی و محدودیت‌های غیرمعقول بازرگانی ۲- اقدامات علیه وضعیت‌های انحصاری و موانع ورود در بازارها ۳- محدودیت میزان مالکیت سهام یک شرکت مالی ۴- ممنوعیت ادغام به عنوان مهم‌ترین الگوی رفتاری بنگاه‌ها ۵- ممنوعیت و اقدامات علیه شیوه‌های بازرگانی غیرمنصفانه (مانند دامپینگ) ۶- به رسمیت شناختن کارتلها (به خصوص کارتل-های صادراتی) ۷- ممنوعیت سوء استفاده از موقعیت مسلط
کره جنوبی	قانون قواعد انحصار و تجارت منصفانه	۱- ممنوعیت سوء استفاده از موقعیت مسلط بازار ۲- محدودیت ائتلاف مؤسسات بازرگانی ۳- ممنوعیت علیه شیوه‌های بازرگانی غیرمنصفانه ۴- اقدامات علیه شیوه‌های بازرگانی غیرمنصفانه ۵- محدودیت‌هایی برای برخی رفتارهای بازاری (مانند تبانی، ائتلاف و ...)
سوئد	قانون رقابت سال ۱۹۹۳	۱- ممنوعیت اعمال شرایط غیر مشابه بر معاملات همسان ۲- ممنوعیت سوء استفاده از موقعیت مسلط ۳- ممنوعیت تحمیل قیمت خرید یا فروش

نام کشور	نام قانون (قوانین)	مهمترین قواعدی که در قانون رقابت کشورها به آن اشاره شده است:
فرانسه	قانون تجارت و قانون مدرن سازی اقتصاد	۱- ممنوعیت تحدید یا کنترل تولید و تقسیم بازارهای فروش ۲- ممنوعیت ایجاد محدودیت در ورود اشخاص به بازار ۳- ممنوعیت سوء استفاده از وضعیت مسلط ۴- ممنوعیت اخذ اطلاعات از همکار شغلی در صورتی که منجر به افت امتیاز شغلی شود
لهستان	قانون مربوط به مقابله با اقدامات انحصاری مصوب ۱۹۹۰	۱- ممنوعیت تحمیل شرایط سنگین بر قرارداد ۲- ممنوعیت تعیین قیمت‌ها، تقسیم بازار و ممانعت از ورود اشخاص جدید به بازار ۳- ممنوعیت سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط
اندونزی	قانون ممنوعیت اقدامات انحصارطلبانه و رقابت تجاری غیرمنصفانه	۱- ممنوعیت تبعیض قیمت‌ها ۲- ممنوعیت تقسیم بازار یا سهم بازار ۳- ممنوعیت ادغام انحصار چند جانبه خرید و درج شروط تحمیلی در قراردادها ۴- ممنوعیت تعیین میزان تولید یا بازاریابی کالا و خدمت و تأثیرگذاری بر قیمت‌ها
تایوان	قانون تجارت عادلانه	۱- ممنوعیت تعیین قیمت کالاها و خدمات به صورت غیر واقعی ۲- ممنوعیت ایجاد مانع با توسل به روش‌های غیرمنصفانه بر سر راه رقبا ۳- ممنوعیت سوء استفاده از قدرت مسلط ۴- ممنوعیت ادغام در شرایط خاص
انگلستان	قانون تجارت منصفانه و قانون رقابت	۱- ممنوعیت تعیین بهای فروش و دیگر شرایط تجاری ۲- ممنوعیت تقسیم بازارها یا منابع عرضه ۳- ممنوعیت الزام طرف به پذیرش تعهدات اضافی ۴- ممنوعیت شرایط تبعیض آمیز
کانادا	قانون رقابت	۱- ممنوعیت محدود ساختن رقابت به نحو غیرمنصفانه ۲- ممنوعیت محدود کردن تسهیلات مرتبط با حمل، تولید، ساخت، عرضه، انبار و معامله کالا

نام کشور	نام قانون (قوانین)	مهمترین قواعدی که در قانون رقابت کشورها به آن اشاره شده است:
		۳- ممنوعیت جلوگیری از ساخت و تولید کالا یا کاهش یا محدود کردن آن و یا افزایش قیمت
هند	قانون اقدامات تجاری محدودکننده و انحصارات	۱- ممنوعیت تثبیت قیمت‌ها، کاهش یا کنترل تولید، عرضه یا توزیع کالا و خدمت ۲- ممنوعیت افزایش غیر متعارف قیمت ۳- ممنوعیت محدود کردن توسعه صنعتی یا سرمایه‌گذاری
ایران	قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی	۱- ممنوعیت تبانی و سازش در شرایط خاص ۲- ممنوعیت تحدید و کنترل مقدار تولید، خرید یا فروش کالاها و خدمات ۳- ممنوعیت احتکار و استتکاف از معامله ۴- ممنوعیت سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط ۵- ممنوعیت تبعیض در شرایط معامله ۶- ممنوعیت کسب اطلاعات به صورت غیر مجاز ۷- ممنوعیت ادغام در شرایط خاص ۸- ممنوعیت تثبیت قیمت‌ها، فروش اجباری ۹- ممنوعیت مداخله در فعالیت رقبای تجاری

۲-۳-۲. تحلیل قواعد حقوق رقابت در قانون اصلاح

۱) ماده ۴۳: این ماده ناظر است به طیف تحت شمول قانون و مشاهده می‌شود که بر خلاف این که بیان شد نوعاً قواعد حقوق رقابت شامل بنگاه‌های خصوصی می‌باشد، به درستی به دلیل محدوده وسیع مداخلات تصدی‌گرایانه دولت در اقتصاد، تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی را تحت شمول قرار داده است.

۲) ماده ۴۴^۱: این ماده در خصوص ممنوعیت تبانی و سازش می‌باشد که ممنوعیت آن را

۱. ماده ۴۴ قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه ...: «هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به دنبال داشته باشد به نحوی که

مشروط به دو شرط می‌نماید: اولاً، یک یا چند اثر مذکور در ماده را داشته باشد. ثانیاً، نتیجه آن بتواند اختلال در رقابت باشد.

اما ایراداتی نیز بر این ماده وارد نموده‌اند؛ از جمله این که اولاً، در برخی موارد مثل تثبیت قیمت‌ها مسلماً اختلال در رقابت حاصل می‌گردد و این در حالی است که کلیه موارد احصا شده، مشروط به دو شرط مذکور دانسته شده است. ثانیاً، بند ۵ این ماده، از جمله موارد تحت شمول اصل ممنوعیت سوء استفاده از موقعیت مسلط می‌باشد و بهتر بود در ذیل بند ط ماده ۴۵ بیان می‌گردید.

اما نکته مثبت و قابل توجه در این ماده آن است که صرف قابلیت اختلال در رقابت جهت ممنوع شدن اعمال مندرج در بندهای پنج‌گانه ماده، کفایت می‌نماید و نیازی به تحقق اختلال نمی‌باشد و این امر می‌تواند عامل بازدارندگی مناسبی جهت عدم انجام اعمال مذکور از ناحیه بنگاه‌ها باشد (البته تعیین این قابلیت کار ساده‌ای نیست).

۳) ماده ۴۵: این ماده، دسته‌ای از اعمال را برمی‌شمرد و معتقد است که قطعاً منجر به اختلال در رقابت می‌شوند. سؤال این است که آیا استتکاف فردی از انجام معامله یا محدود کردن معاملات اشخاص با بنگاه رقیب - که موضوع این ماده می‌باشند - چه خصیصه ویژه‌ای دارد که قانونگذار آن را به طور قطع محل رقابت دانسته است، در حالی که برای مثال، تقسیم یا تسهیم بازار یا تثبیت قیمت‌ها (موضوع ماده ۴۴) را منتج به این نتیجه نمی‌داند؟

با ملاحظه این ماده - که شاید مهمترین رویه‌های ضد رقابتی در آن بیان شده است - و مقایسه آن با سایر مواد، ایراداتی به چشم می‌خورد که به تحلیل آنها می‌پردازیم:

نتیجه آن بتواند اختلال در رقابت باشد ممنوع است: ۱- مشخص کردن قیمت‌های خرید یا فروش کالا یا خدمت و نحوه تعیین آن در بازار به طور مستقیم یا غیرمستقیم. ۲- محدود کردن یا تحت کنترل درآوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت در بازار. ۳- تحمیل شرایط تبعیض‌آمیز در معاملات همسان به طرف‌های تجاری. ۴- ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آنها. ۵- موقوف کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف‌های دیگر که بنابر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد. ۶- تقسیم یا تسهیم بازار کالا یا خدمت بین دو یا چند شخص. ۷- محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد، توافق یا تفاهم به بازار. تبصره- قراردادهای میان تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به منظور تعیین دستمزد و مزایا، تابع قانون کار است.»

الف) نخستین و مهمترین ایرادی که در این ماده و سایر مواد مشاهده می‌شود خلط مباحث و بعضاً تکرار رویه‌ها در موارد مختلف می‌باشد. باید بیان کرد که اگر قانونگذار به دو رویه مهم ضد رقابتی یعنی تبانی یا سازش و سوء استفاده از موقعیت مسلط اشاره دارد می‌بایست مصادیق بارز آن را در زیر همان رویه ذکر نماید؛ این در حالی است که اگر این دو رویه تحت عنوان مستقلی مطرح نمی‌شد این ایراد به مقنن وارد نمی‌آمد؛ برای مثال، اعمال زیر باید ذیل عنوان سوء استفاده از موقعیت مسلط می‌آمد که این امر صورت نگرفته و مستقلاً بیان شده است:

- امتناع جزئی یا کلی از معامله (بند ۱ از قسمت الف ماده ۴۵)
 - قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز (قسمت ب ماده ۴۵)
 - قیمت‌گذاری تهاجمی یا غارتگری قیمتی (قسمت د ماده ۴۵)
 - عرضه کالاها یا خدمات خاصی منوط به پذیرش محدودیت‌هایی بر رقیب (بند ۳ از قسمت و ماده ۴۵)
 - عرضه کالا یا خدمات خاصی منوط به قبول تعهدات تکمیلی (بند ۵ ماده ۴۴ و بند ۱ از قسمت و ماده ۴۵)
- ب) دومین ایراد آن است که با ملاحظه بندهای ماده ۴۵ قانون و سایر مواد، تکراری بودن برخی از رویه‌ها به چشم می‌خورد که در ادامه به آنها اشاره می‌نماییم:
- به نظر می‌رسد که بندهای ۱ و ۲ از قسمت (الف) ماده ۴۵ در بحث محدود کردن موضوع معامله، با هم قابل جمع باشند.
 - بند ۵ ماده ۴۴ در بحث «موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف‌های دیگر که بنابر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد» و بند ۲ از قسمت (و) ماده ۴۵ در باب «وادار کردن طرف مقابل به معامله با شخص ثالث به صورتی که اتمام معامله به عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت دیگری ارتباط داده شود» نیز با یکدیگر قابل جمع می‌باشند.
 - بند ۶ از قسمت (ط) ماده ۴۵ در مورد «تملک سرمایه و سهام شرکتها به صورتی که منجر به اخلال در رقابت شود» و ماده ۴۷ در باب این که «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکتها یا بنگاههای دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد»، باید تجمیع

می‌شدند؛ با این توضیح که نحوه انشای ماده ۴۷ عملاً بند ۶ از قسمت (ط) ماده ۴۵ را نیز شامل می‌گردد.

- بند ۱ از قسمت (ه) ماده ۴۵ و قسمت (ز) همین ماده در بحث استاندارد بودن کالا یا خدمت، با یکدیگر قابل جمع هستند.

در پایان بررسی دو ماده ۴۴ و ۴۵ قانون اصلاح، لازم به ذکر است که رویه‌های مطروحه، ارتباط ویژه‌ای با حقوق مصرف‌کننده و حقوق اصناف و به تبع آن قوانین مربوطه دارند که مجال بررسی آنها در این نوشتار وجود ندارد و امید است در مقالات دیگر توسط محققان ارجمند بدان پرداخته شود.

کلام آخر در خصوص دو ماده ۴۴ و ۴۵ قانون اصلاح این است که در قوانین بسیاری از کشورها، برخی از این رویه‌ها به روش‌های گوناگون ذکر و ممنوع اعلام شده‌اند؛ برای مثال، در بند ۱ ماده ۳ مدل رقابت آنکتاد، توافقات تثبیت قیمت، تقسیم بازار، منع تولید، استتکاف دسته جمعی از خرید و عرضه کالا یا خدمت ممنوع اعلام شده است و یا در کشورهای فرانسه، لهستان، اندونزی و ... (مذکور در جدول) سوء استفاده از موقعیت مسلط، جزء رویه‌های ممنوع می‌باشد؛ برای نمونه در ماده ۸ قانون رقابت کشور فرانسه آمده است: سوء استفاده از موقعیت‌های زیر توسط یک بنگاه یا گروهی از بنگاه‌های اقتصادی که در زمینه یکسان یا مشابهی به فعالیت اشتغال دارند، ممنوع می‌باشد: (۱) سوء استفاده از موقعیت مسلط در بازار داخلی یا بر بخش‌های اساسی آن. (۲) سوء استفاده از وابستگی اقتصادی مؤسسه مشتری یا مؤسسه تدارک‌کننده، در حالی که از امکانات مساوی با مؤسسه سوء استفاده‌کننده برخوردار نیستند.

قانون رقابت کشور فرانسه همچنین مصادیق بارز سوء استفاده از موقعیت برتر را این‌گونه برشمرده است: خودداری از فروش، فروش یک کالا به شرط خرید کالایی دیگر و ایجاد شرایط تبعیض‌آمیز در فروش نظیر تهدید به قطع رابطه بازرگانی تنها به دلیل آن که طرف مقابل به شرایط غیر عادلانه تجاری طرف دیگر گردن نهاده است.

در مورد کسب غیر مجاز اطلاعات و سوء استفاده از آن نیز ماده ۲۳ قانون رقابت کشور اندونزی بدان توجه داشته است (دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، صص ۲۶۹-۲۵۲).

مجموعاً مشاهده شد که رویه‌های موجود در مواد ۴۴ و ۴۵ قانون اصلاح، با قوانین دیگر کشورها همسانی‌هایی دارند، لکن همان‌گونه که گفته شد، قانونگذار ما در دسته-

بندی‌ها دچار خلط مباحث شده است.

(۴) ماده ۴۶: بر اساس این ماده «هیچ یک از مدیران، مشاوران یا سایر کارکنان شرکت یا بنگاه مجاز نیستند با هدف ایجاد محدودیت یا اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار، به طور همزمان متصدی سمتی در شرکت و یا بنگاهی مرتبط و یا دارای فعالیت مشابه باشند». مشابه این ماده را در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت نیز مشاهده می‌نماییم. ماده ۱۳۳ لایحهٔ اخیر بیان داشته است: «مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت». از سوی دیگر، در ماده ۱۳۴ قانون تجارت، شرکای شرکت تضامنی نیز از انجام اقداماتی که رقابت با شرکت محسوب گردد، ممنوع شده‌اند.

اما با دقت در ماده ۴۶ قانون اصلاح، ایراداتی به چشم می‌خورد؛ مثلاً شرط قانونگذار جهت تحقق این رویهٔ ممنوع، آن است که عمل از سوی مدیران، مشاوران یا کارکنان بنگاه یا شرکت با هدف ایجاد محدودیت در رقابت انجام پذیرد. لذا اولاً، محدودیت رقابت چه معنایی دارد؟! ثانیاً، احراز هدف اشخاص که امری درونی است مشکل می‌باشد. بنابراین، بهتر بود قانونگذار ضمن حذف عبارت «با هدف ایجاد محدودیت ... در رقابت»، این نتیجه را مفروض می‌گرفت. نکتهٔ جالب این است که در لایحه این مطلب مد نظر قرار گرفته بود و ماده ۶ لایحهٔ «مقررات تسهیل‌کنندهٔ رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات» اذعان می‌داشت: «به دلیل ایجاد محدودیت یا اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار، هیچ مدیر یا کارمند شرکت یا بنگاهی نمی‌تواند به طور همزمان متصدی سمتی در شرکت و یا بنگاه دیگر شود»، که متأسفانه در پی تغییرات بعدی، این ماده تبدیل به صورت فعلی آن گردیده و در نهایت به تصویب رسیده است.

(۵) ماده ۴۷: قانونگذار در این ماده درصدد برآمده است تا جلوی اقدامات اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در مورد تملک و خرید شرکت‌ها و بنگاه‌ها که سبب ایجاد انحصارها و اخلال در رقابت می‌گردد، بایستد. در این رابطه نیز با بیان تبصره‌ای، مواردی را از

شمول این قاعده خارج می‌کند.^۱

اما نکته مورد انتقاد این ماده آن است که بر خلاف متن لایحه «مقررات تسهیل‌کننده رقابت ...»، تبصره ماده ۴۷ قانون اصلاح، دارای متنی طولانی‌تر از خود متن ماده می‌باشد و این امر از لحاظ اصول قانون‌نویسی مورد پذیرش نمی‌باشد و بهتر بود تبصره ماده ۴۷ تحت عنوان ماده مستقلی (همانند لایحه) مطرح و تصویب می‌شد (همان‌گونه که قانون قواعد انحصار و تجارت منصفانه ژاپن، این ممنوعیت را در قالب «محدودیت میزان مالکیت سهام یک شرکت مالی» بیان می‌نماید).

از سوی دیگر، این که عملی موجب اخلال در رقابت گردد (همانند ماده قبل) دارای مفهوم مبهمی می‌باشد و اثبات آن مشکل است؛ برای مثال، در ماده ۲-۹ قانون کشور ژاپن برای این عمل، معیار سنجشی نهاده شده است، بدین ترتیب که «هیچ شرکت سهامی (غیر از شرکت‌های مالی که در زمینه‌های بانک و بیمه و ... فعالیت دارند) که سرمایه‌اش بیش از ده میلیارد ین یا دارایی ویژه آن بیش از سی میلیارد ین است، نباید بیش از سرمایه یا دارایی‌اش، سهام شرکت‌های دیگر را تحصیل یا در مالکیت خود داشته باشد» (دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، صص ۲۶۹-۲۵۲).

این‌گونه ابهامات در قانون، دست مجریان قانون را بی‌جهت باز گذارده و خود می‌تواند اسباب فعالیت‌ها و تصمیم‌های خلاف قانون و ضد رقابتی گردد.

جالب توجه است که این ابهام در مواد ۴۵، ۴۶ و ۴۷ قانون اصلاح، در خصوص مفهوم «اخلال در رقابت» مورد توجه شورای نگهبان قرار گرفته و از جمله ایرادات آن

۱. ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه ...: «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکتها یا بنگاههای دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد. تبصره- موارد زیر از شمول این ماده مستثنی است: ۱- تملک سهام یا سرمایه به وسیله کارگزار یا کارگزار معامله‌گری که به کار خرید و فروش اوراق بهادار اشتغال دارد، مادامی که از حق رأی سهام برای اخلال در رقابت سوء استفاده نشود. ۲- دارا بودن یا تحصیل حقوق رهنی نسبت به سهام و سرمایه شرکتها و بنگاههای فعال در بازار یک کالا یا یک خدمت مشروط بر این که منجر به اعمال حق رأی در این شرکتها یا بنگاهها نشود. ۳- در صورتی که سهام یا سرمایه تحت شرایط اضطراری تملک شده باشد، مشروط بر این که حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تملک، موضوع به اطلاع شورای رقابت برسد و بیشتری از مدت زمانی که شورا تعیین می‌کند، تملک ادامه نیابد.»

شورا به مجلس بوده است، ولی از آنجا که مصوبه مجلس در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و تأیید شد، به ایرادات شورای نگهبان در این زمینه ترتیب اثری داده نشد.

نکته مبهم دیگر این ماده، بند ۳ تبصره آن است که تحت شرایط اضطراری، تملک سهام و سرمایه را به صورت مشروط می‌پذیرد اما این که شرایط اضطراری چیست و چه نهادی مسؤول تشخیص حالت اضطراری می‌باشد، مشخص نگردیده است.

۶) ماده ۴۸: این ماده ناظر به ادغامات ممنوع است. مسأله ادغام به خصوص در کشور ما که درجه تمرکز در آن بسیار بالا می‌باشد حایز اهمیت فراوان است و باید مورد توجه جدی قرار گیرد تا اشخاص نتوانند در قالب ادغام، به اهداف ضد رقابتی خود از جمله در اختیار گرفتن سهم قابل ملاحظه‌ای از بازار و در نتیجه، ایجاد موقعیت مسلط در بازار نایل شوند. اشکالی که می‌توان به ماده ۴۸ قانون اصلاح وارد ساخت، ابهام در خصوص تعیین و تشخیص ضوابط ادغام بنگاه‌ها و شرکت‌ها می‌باشد که متأسفانه علی‌رغم پیش‌بینی این امر در تبصره ۲ ماده ۹ لایحه «مقررات تسهیل‌کننده رقابت ...»، اثری از آن در قانون اصلاح مشاهده نمی‌گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵، ص ۵).

در قوانین بسیاری از کشورها ممنوعیت ادغام به انحای مختلف مشاهده می‌شود؛ برای مثال، بر اساس ماده ۱۱ قانون رقابت لهستان، «هر ادغام باید به اطلاع اداره مبارزه با انحصارگری برسد و چنانچه ادغام موجب موقعیت مسلط گردد، ممنوع می‌باشد» و یا طبق ماده ۱۴ قانون رقابت اندونزی، ادغام عمودی ممنوع اعلام شده است. ممنوعیت ادغام در قوانین کشورهای تایوان (مطابق مواد ۱۱ و ۱۳) و ژاپن (طی ماده ۱۵) نیز مشروط به شرایطی مشاهده می‌گردد.

۷) ماده ۴۹: قانونگذار در این ماده در زمینه نهاد تصمیم‌گیرنده (شورای رقابت) در خصوص ادغام، تملک سهام و سرمایه بنگاه‌ها و شرکت‌ها (موضوع مواد ۴۷ و ۴۸) و مهلت‌های اتخاذ تصمیم سخن به میان آورده است. البته با توجه به این که این موضوع در قوانین کشورهای ژاپن، لهستان، اندونزی و تایوان و ... نیز وجود دارد، به نظر نگارنده، بر این ماده خلل و ایرادی وارد نمی‌آید.

۸) ماده ۵۰: این ماده، افراد صنفی مشمول قانون نظام صنفی را که به عرضه جزئی (خرده‌فروشی) کالاها یا خدمات می‌پردازند از شمول مقررات این فصل مستثنا کرده

است؛ لذا از مفهوم مخالف ماده مذکور استنباط می‌شود که افراد صنفی که به عرضه عمده خدمات یا کالاها مشغولند مشمول فصل نهم قانون اصلاح می‌باشند.

۹) ماده ۵۱: مسأله حقوق مالکیت فکری، یکی از مسائل روز و مبتلی به جامعه می‌باشد؛ اما باید در نظر داشت که به علت تازه بودن قواعد این رشته، امکان سوء استفاده از آن در زمینه ایجاد اختلال و صدمه به رقابت سالم وجود دارد؛ لذا قانونگذار با وضع این ماده، درصدد حل این مشکل و جلوگیری از آن برآمده است. این ماده بیان می‌دارد که «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد (۴۴) تا (۴۸) این قانون شود، در این صورت شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند: الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری، ب) منع طرف قرارداد، توافق یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن. ج) ابطال قراردادها، توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثر نبودن تدابیر موضوع بندهای «الف» و «ب» این ماده.^۱

۱۰) ماده ۵۲: به موجب این ماده، «هرگونه کمک و اعطاء امتیاز دولتی (ریالی، ارزی، اعتباری، معافیت، تخفیف، ترجیح، اطلاعات یا مشابه آن) به صورت تبعیض آمیز به یک یا چند بنگاه یا شرکت که موجب تسلط در بازار یا اختلال در رقابت شود، ممنوع است».

ایراد قابل ملاحظه این ماده، مشروط کردن ممنوعیت اعطای امتیازات مورد اشاره به ایجاد تسلط در بازار و یا اختلال در رقابت می‌باشد؛ در نتیجه، اولاً مشکل مطروحه مبتنی بر مشکل بودن تشخیص اختلال در رقابت و یا تسلط در بازار، گریبان گیر این ماده نیز می‌باشد. ثانیاً، آیا اعطای امتیازات تبعیض آمیز از سوی دولت و از بودجه عمومی و بیت‌المال، سبب اختلال در رقابت نمی‌گردد که مقنن آن را امری احتمالی می‌شمارد؟! از سوی دیگر، این طریق نگارش، منجر به سوء استفاده دولتی‌ها خواهد شد؛ چراکه به بهانه عدم اختلال در رقابت و تسلط در بازار - از آنجا که غالب اعضای شورای رقابت، دولتی هستند - می‌توانند به اعطای امتیازات تبعیض آمیز به بنگاه‌ها و

۱. تبیین موضوعات مرتبط با حقوق مالکیت فکری، خود بحث مفصلی می‌باشد که شایسته است مقاله‌ای مجزا در مورد آن به رشته تحریر درآید (برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: علاءالدینی، ۱۳۹۱، صص ۱۲۹ به بعد).

شرکت‌های مورد نظر خود مبادرت نمایند.

۲-۳-۳. نگرشی بر اشتراکات قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و قانون اصلاح

همان‌گونه که در مباحث گذشته به طور مختصر اشاره گردید، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مشترکاتی با قانون اصلاح دارد که عبارتند از:

۲-۳-۳-۱. تبانی و سازش

مطابق بند ۵-۱ ماده ۱ و ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، تبانی و سازش در صورتی که سبب کاهش عرضه یا پایین آوردن کیفیت و یا افزایش قیمت شود ممنوع و جرم می‌باشد و مرتکب با استناد به ماده ۱۹ همان قانون، علاوه بر جبران خسارت وارده، به جزای نقدی حداکثر تا ۲ برابر مبلغ خسارت محکوم می‌گردد و این مطلب، با ماده ۴۴ قانون اصلاح مطابقت نسبی دارد.

۲-۳-۳-۲. عرضه کالاها یا خدمات غیر استاندارد

این موضوع هم در قسمت (ز) ماده ۴۵ قانون اصلاح و هم در تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مورد توجه واقع شده است که قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان دارای همان مجازات تبانی می‌باشد.

۲-۳-۳-۳. اظهارات گمراه‌کننده

این موضوع، هم در قسمت (ه) ماده ۴۵ قانون اصلاح و هم در بند ۲ ماده ۳ و نیز ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مورد اشاره قرار گرفته است. در این رابطه لازم به ذکر است که در حقوق فرانسه، تئوری شایسته‌ای تحت عنوان «تئوری تعهد به دادن اطلاعات» وجود دارد که طبق آن در معاملات، طرف قوی ملزم به ارائه اطلاعات در زمینه‌های کلی و خطرات احتمالی و نیز اطلاعات مشاوره‌ای می‌باشد.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: قاسمی حامد، ۱۳۸۵.

۲-۳-۳-۴. فروش اجباری

فروش اجباری، که منوط کردن فروش یک کالا یا خدمت به خرید کالا یا خدمت دیگر، یا اجبار طرف مقابل به معامله با شخص ثالث یا ممنوعیت معامله با رقیب می‌باشد، هم به موجب قسمت (و) ماده ۴۵ قانون اصلاح و هم طبق تبصره ۱ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ممنوع اعلام شده است.^۱

قضاوت

۱. متن اصلی نوشتار حاضر حاوی تحلیل و تبیین قواعد مربوط به نهادهای مسؤؤل و ضمانت اجراها در حقوق ایران و کشورهای منتخب می‌باشد که به علت محدودیت کمی در ارائه مطالب، ناگزیر از حذف آن شده و به یاری خدا در مقاله دیگری تقدیم علاقه‌مندان خواهد شد.

نتیجه

مقررات حقوق رقابت، در زمینه کنترل و نظارت دولت بر اقتصاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و به عنوان ابزار اصلی برای پیشبرد سیاست رقابتی دولت در کنار ابزارهای دیگر عمل می‌نماید. این قبیل مقررات را می‌توان در کنار مقررات زدایی و خصوصی‌سازی، سبب حفاظت از کین اقتصاد و رفاه مصرف‌کننده از طریق ممنوعیت اعمالی دانست که احتمالاً یا محققاً سبب اخلال در رقابت سالم می‌گردند. این اعمال تحت عنوان رویه‌های ضد رقابتی یا محدودکننده رقابت، به اقتصاد بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای توسعه‌نیافته، زیان‌های جبران‌ناپذیری را وارد ساخته است.

در کشور ما نیز متأسفانه علی‌رغم وجود زمینه‌ها و بسترهای مناسب در فقه، جهت تدوین قانون رقابت و ممنوعیت رویه‌های مورد اشاره تا قبل از تصویب فصل نهم قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به صورت پراکنده و غیر منسجم در قوانین، می‌توانستیم تعداد محدودی از ممنوعیت این رویه‌ها را ملاحظه نماییم، که متأسفانه از این غفلت خسارات زیادی بر اقتصاد کشور و تبعاً حقوق ملت تحمیل گردید.

تعجب آنجا است که با وجود احساس نیاز به تدوین قانون رقابت از سال ۱۳۷۰ به بعد، از سوی برخی مسؤولان، در نهایت کشور و نظام حقوقی ما دارای قانون مستقلی در این زمینه نگردید و مقررات مربوطه، در درون قانون اصلاح قانون برنامه چهارم جای گرفت. در این نوشتار کوشش شد تا علی‌رغم کمبود منابع، به تحلیل مواد ۴۳ الی ۸۴ فصل نهم این قانون با عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» در زمینه قواعد حقوق رقابت، پرداخته و نقاط ضعف و ایرادات آن بیان گردد.

به طور کلی و مختصر می‌توان گفت که به دلیل اتکای بیش از حد قانون به ترجمه متون خارجی، نحوه نگارش و ادبیات آن، با ذهن حقوقدانان و قضات و متولیان اقتصاد مأنوس نمی‌باشد و به دلیل اقتباسی بودن متن لایحه و عدم بومی‌سازی، برخی تعاریف ارائه شده برای اصطلاحات به کار رفته مبهم بوده که می‌تواند در مقام اجرا مشکلات زیادی ایجاد نماید. از سوی دیگر، حضور نسبتاً پر رنگ نمایندگان حاکمیت در نهادهای مسؤؤل (شورای رقابت و مرجع تجدیدنظر)، جای بسی تأمل و البته موجب زیان می‌باشد؛ زیرا خسارات ناشی از مداخلات بی‌رویه و غیر اصولی دولت در نظام اقتصادی ایران و اثرات مخرب آن هنوز

گریبان گیر مردم است و ادامه این سیاق به نام جلوگیری از آن، شایسته نمی‌باشد؛ لذا مقتضی است اکنون که مقنن پس از گذشت سال‌های طولانی به این مهم نایل گشته است، با اصلاحات و رفع نقاط ضعف این قانون به اقتصاد کشور و نهایتاً رفاه مصرف‌کنندگان کمک شایانی نماید.

در نهایت لازم به ذکر است که موضوع حقوق رقابت به سبب تازگی، دارای زمینه‌های بسیاری برای تحقیق و پژوهش می‌باشد که امید است محققان محترم در این زمینه‌ها مقالاتی به رشته تحریر درآورند تا به این موضوع حقوقی که مورد نیاز جامعه می‌باشد پر و بالی داده شود. از جمله مهمترین این زمینه‌ها، تقابل حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت و توسعه فضای رقابتی است؛ چراکه سرمایه‌گذاری و رقابت در اموال فکری، بر خلاف اموال مادی بوده و با ریسک بیشتری مواجه است.

قضاوت

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- ۱- اخوان، حامده؛ *جهانی‌سازی رقابت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- ۲- باقری، محمود و سیدی، جواد؛ *همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، پاییز ۱۳۸۷.
- ۳- جوانمرد، بهروز؛ *مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با جرایم اقتصادی*، ضمیمه درس حقوق کیفری اقتصادی دکتر نجفی ابرندآبادی، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، ۱۳۸۸.
- ۴- حسینی، سید شمس‌الدین و شفیعی، افسانه؛ *اثر قانون رقابت بر تسهیل رقابت، رقابت-مندی و استاندارد زندگی*، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۶.
- ۵- خداداد کاشی، فرهاد و شهیکی‌تاش، محمدنبی؛ *حوزه و وسعت قانون رقابت با توجه به ساختار اقتصادی (مطالعه موردی ایران)*، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- ۶- دادگر، یدالله؛ *مالیه عمومی و اقتصاد دولت*، نشر نور علم دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- ۷- دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی؛ *لایحه قانون رقابت: مبانی و تجربه کشورها*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، تهران، شهریور ۱۳۸۴.
- ۸- ربیعی، محمد؛ *قیمت‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران در پرتو مفهوم و نظریه‌های تنظیم اقتصاد*، رساله دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
- ۹- سماواتی، حشمت‌الله؛ *مقدمه‌ای بر حقوق رقابت تجاری و نقش آن در سیاست‌گذاری و تنظیم بازار*، انتشارات فردوسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۰- علاء‌الدینی، امیرعباس؛ *حقوق رقابت در آیین تحولات تقنینی*، مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

- ۱۱- غفاری فارسانی، بهنام؛ *حقوق رقابت و نقش ضمانت‌اجراه‌های مدنی، میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳.*
- ۱۲- غمامی، سیدمحمد مهدی و اسماعیلی، محسن؛ *مطالعه تطبیقی نظام حقوقی رقابت در ایران و فرانسه، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره دوم، ۱۳۸۹.*
- ۱۳- قاسمی‌حامد، عباس؛ *جزوه درس حقوق خصوصی اقتصادی (۱)، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.*
- ۱۴- قدک، عبدالرسول؛ *جزوه درس حقوق رقابت و توزیع، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷.*
- ۱۵- گروه مطالعاتی بررسی قوانین و مقررات مانع توسعه (وابسته به سازمان برنامه و بودجه)؛ *رقابت آزاد: تجربه چند کشور، جلد ۲، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.*
- ۱۶- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ *اظهارنظر کارشناسی درباره: لایحه مقررات تسهیل‌کننده رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات، شماره مسلسل ۸۰۲۴، کد موضوعی ۲۰۰، مهر ۱۳۸۵.*
- ۱۷- میرجلیلی، سیدحسین؛ *قانون رقابت و سیاست رقابتی در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.*
- ۱۸- نوروزی، مشیت‌الله؛ *تبانی واحدهای اقتصادی از دیدگاه حقوق رقابت اتحادیه اروپایی و ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۸۹.*

ب. منابع خارجی

- 19- Dabbah, Mehr.M *EC & UK, Competition Law, Comentary, Case and Materials*, Cambridge University Press, 2004.
- 20- Doern & Wilks, *Comparative Competition Policy*, Oxford, 1996.
- 21- F, Marcos, *Do Developing Countries Need Competiton law And Policy?* Instituto de Empresa Business School, 2006.
- 22- Hoekman, Bemard & Holmes, Peter, *Competition Policy in Developing Countries and WTO*, Word Bank, Working Paper, Washing D.C, 1999.
- 23- Park, Donghyun, *The Meaning of Competition :A Graphical Exposition*, Journal of Economic Education, fall 1998.

- 24- Scherer, F.M & Ross, David, *Industrial Market Structure & Economic Performance*, Houghton, 3rd ed, New York, 1990.
- 25- Taggart, R, *State and Price Regulation*, Oxford University Press, 2004.
- 26- UNCTAD, *Model Law on Competition*, U.N, Geneva, 2002.
- 27- Van Den Berg, R.J & Camesasca, P.D, *Eropean Competition Law & Economics Comparative Perpective*, Erasmus University Rotterdam, 2006.
- 28- Whish, Richard & Bailery, David, *Competition Law*, London, Oxford University, 8th ed. 2015.
- 29- WTO, Annual Report, Vol.1, Special Topic: *Trade and Competition Policy*, Geneva, 1997.

قضاوت

Competition Law in Iran and it`s Developments in the Light of the General Policies of Article 44 of the Constitution

Amirabbas Alaeddini*

Mehrzad Shiri**

Received:23/07/2016

Accepted: 17/11/2016

Abstract:

Although there is a controversy over the government involvement in the economy, it seems to be inevitable; because, by leaving the economy to the market without any supervision, we will not be able to attain the increase in efficiency, consumer convenience, and balance with the deficits in distribution, allocation, stabilization, and legislation. However, these interferences should not be so much that might lead to the government administration. Therefore, the government tries to regulate the behavior of agencies, and supervise the market. Considering this, the rules of competition law have its own special importance, and act as a main instrument to pursue the competitive policies of government along with the other instruments. The anti-competitive approaches include conspiracy, misuse of economic power, etc., and employing competition restrictive methods, like agreements on price stabilization, selling product or service with reward, and ending the abusing relationships and discriminatory attitudes. In our country, like advanced countries, after a long delay on the implementation of Article 41 of the fourth development program law, modification of some items of the fourth development program code has been ratified. Its ninth chapter is dedicated to the rules of competition law. Despite some positive points, it suffers some defects. Explaining rules on competition in Iran, whether before or after the developments resulting from general policies of article 44, this article through a comparative study of such regulations in some countries, deals with the positive and negative points of competition rules in chapter nine of the code.

Key Words: Competitive Policy, Competition Law, Modification Law, Anti-Competitive Procedures, Competition Restrictive Procedures.

*PhD in Private Law, Science and Research Branch of Islamic Azad University.

amirabbas_alaedini@yahoo.com

**Assistant Professor of Law Faculty at Shiraz Islamic Azad University.

shiri.mehrzad@gmail.com